

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفته اول: استعانت از خداوند (تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم از تفسیر نمونه)

استعانت از خدا، جلوه ای از تقوای پیشگی است قال موسی لقومه استعینوا... (در آیه ۱۲۸ سوره مبارکه اعراف)

موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن فداست و آن را به هرکس از بندگان که بخواهد واگذار می کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزگاران است.

خداوند، شایسته استعانت است و مقام ربوبی خدا، سزاوار استعانت از اوست و این جلوه ای از تقوای پیشگی است. یکی از ادله لزوم استعانت مؤمنان از خداوند، حاکمیت مطلق وی بر زمین است. استعانت از صبر و نماز نیز یکی از سفارش های خداوند به مؤمنان می باشد. آیه ۴۵ سوره مبارکه بقره

در داستان حضرت یوسف (علیه السلام) خداوند می فرماید: و حضرت یوسف (علیه السلام) به یکی از آن دو نفر که می دانست رهایی می یابد گفت: مرا نزد صاحبیت یادآوری کن، ولی شیطان یادآوری او را نزد صاحبش از خاطر وی برد و به دنبال آن (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند. آیه ۴۳ سوره مبارکه یوسف

همین که می گوید اگر فلان شخص نبود مشکل من حل نمی شد این تفکر با ایمان سازگار نیست. در رابطه با آیه فوق، عیاشی روایتی را از امام صادق (علیه السلام) در خصوص مدت در زندان ماندن حضرت یوسف (علیه السلام) از ایشان نقل می کند که ایشان فرمود: حضرت یوسف (علیه السلام) هفت سال در زندان ماند و خداوند به یوسف (علیه السلام) وحی نمود که ای یوسف! چه کسی موجب خواب دیدن تو شد؟ چه کسی تأویل رؤیا را به تو الهام نمود؟ حضرت یوسف (علیه السلام) گفت: تو ای پروردگار من!

خداوند فرمود: پس چگونه از من کمک نخواستی و به غیر من استعانت جستی و به عبدی از بندگان من امید بستی تا تو را نزد مخلوقی از مخلوقات من ذکر کند، در حالی که آن مخلوق در اختیار من بود و به خاطر همین گناهت، مدت ها در زندان به سر

هفته دوم: وضو

«يا أيها الذين ءامنوا إذا قمتم إلى الصوة فاغسلوا وجوهكم وأيديكم إلى المرافق ومسحوا برءوسكم وأرجلكم إلى الكعبين...» سوره

مبارکه مائده آیه ۶

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز برمی فیزید صورت و دست ها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا برآمدگی مسح کنید.

یکی از عبادت هایی که به جا می آوریم نماز و مقدمه آن، وضو است. وضو اذن ورود به نماز و کسب زمینه روحی برای پرداختن به این عبادت است و بدون آن نماز باطل است. فیض کاشانی جمله جالبی در مورد اهمیت وضو دارد که می گوید: یک باره برخاستن از مادیات و به معنویت کوچ کردن دشوار است؛ وضو انسان را کم کم آماده می سازد.

راستی وقتی در نماز لازم باشد که لباس و بدن از آلودگی ها پاک باشد، آیا لازم تر آن نیست که دل و جان نیز از کبر و ریا و حسد و کینه پاک باشد؟ و آیا دوگانگی ظاهر و باطن نوعی نفاق نیست؟

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: کسی که وضو بگیرد و آن را کامل به جا آورد و با آن دو رکعت نماز بخواند که در آن با خود از دنیا سخن نگوید و بر چیزی از آن نیندیشد، از گناهان خود به درآید همانند روزی که پاک و معصوم از مادرش متولد شده است.

اسرار وضو:

۱- شاخص اطاعت: امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: وضو، یکی از حدود و دستورات الهی است که خداوند برای شناسایی مطیع و عاصی آن را واجب فرموده است.

۲- آراستگی ظاهر در حال ملاقات: امام باقر (علیه السلام) در توجیه یکی از شاگردان خود که چرا خداوند به وضو امر کرده است می فرمایند: برای آنکه عبد در مقام مناجات و گفتگو و در حال ملاقات با خالق، پاک و طاهر باشد و اطاعت خود را در برابر او به اثبات برساند.

۳- نشاط و رفع کسالت

۴- نشان سفید رویی در قیامت: مردی از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: در روز قیامت از بین جمعیت انبوهی که از زمان حضرت نوح تا عهد شما اجتماع کرده اند چگونه امت خود را شناسایی می کنید؟ حضرت فرمودند: امت من چهره های تابنده و درخشان دارند که بر اثر وضو این زیبایی در سیمای آنان دیده می شود و هیچ کس دیگر چنین نشانی ندارد.

۵- طولانی شدن عمر: پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: هر چه می توانی بیشتر طاهر (با وضو) باش که خداوند عمرت را زیاد می کند.

این وعده الهی توجیه پزشکی نیز دارد که به طور طبیعی افرادی که جهات بهداشتی، خصوصاً نظافت پوست بدن را رعایت کنند از دوام بیشتری برخوردار خواهند بود.

۶- درک ثواب شهدا: در روایات، تأکید زیادی بر دائم الوضو بودن شده است. پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: اگر می توانی همیشه با وضو باشی این عمل را ترک مکن؛ چرا که ملک الموت، آنگاه که روح بنده ای را که با وضو باشد قبض کند، او را شهید محسوب خواهد نمود.

امام رضا (علیه السلام) در جواب مسائل محمد بن سنان در بیان اسرار وضو نوشتند: "وضو که به خاطر آن شست و شوی صورت و دست ها و مسح سر و پاها بر بنده واجب است، قیام بنده است در حضور پروردگار خود و رو آوردن بنده است به درگاه او با جوارح ظاهر (آشکار) خود و ملاقات نمودن بنده است با آن اعضای ظاهر با کرام الکاتبین؛ پس می شوی صورت را از جهت خضوع و دست ها را می شوی به جهت گردانیدن آن ها و به جهت خوف و شوق و بریدن از دنیا به سوی خداوند خود. سر و قدم های خود را مسح می کنی از جهت این که ظاهر و آشکارند و به آن دو روی می آورد در همه ی احوال (و تخفیف در مسح) برای این است که آن فروتنی و انقطاع به سوی خداوند که در صورت و دست ها است در آن دو (سر و پا) نمی باشد.

جفای خدا:

وضو، یکی از اعمال ساده و راحتی است که خداوند آن را بهانه ای برای تجدید دوستی و رفع نیازهای انسان قرار داده است. در یکی از احادیث قدسی آمده است: "هر کس وضویش باطل شود و وضو نگیرد، به من جفا کرده است و هر کس وضو بگیرد و دو

رکعت نماز نخواند، باز هم به من جفا کرده است و هرکس وضو بگیرد و نماز بخواند و از من تقاضایی کند و به او جواب ندهم چه خواسته او در ارتباط با امر دین باشد یا دنیا من به او جفا کرده ام و من خدای جفاکار نیستم!

هفته سوم: نماز

سیمای نماز

یا بنی اقم الصلوة سورة مبارکه لقمان آیه ۱۷

نماز، ساده ترین، عمیق ترین و زیباترین رابطه انسان با خداوند است که در تمام ادیان آسمانی بوده است.

نماز، تنها عبادتی است که سفارش شده قبل از آن، خوش صداترین افراد، بالای بلندی رفته و با صدای بلند، شعارهای می علی

الصلوة، می علی الفلاح و می علی فیر العمل سر دهند و با اذان سکوت را بشکنند و غافلان را بیدار کنند.

نماز به قدری مهم است که حضرت ابراهیم علیه السلام هدف خود را از اسکان زن و فرزندش در صحرای بی آب و علف، اقامه نماز معرفی می کند، نه حج!

امام حسین علیه السلام برای نماز، سینه خود را سپر کرد.

نماز، هم در حوادث زمینی مثل زلزله و هم در حوادث آسمانی مثل خسوف و کسوف - نماز آیات - واجب است؛ حتی در طلب باران نیز نماز وارد شده است.

نماز، انسان را از انجام بسیاری از منکرات و زشتی ها باز می دارد.

نماز، در تمام کمالات به چشم می خورد:

نظافت و بهداشت: مسواک زدن، وضو، غسل، پاک بودن لباس و بدن در نماز

جرات و جسارت: فریاد زدن را از اذان می آموزیم.

حضور در صحنه: از اجتماع در مساجد یاد می گیریم.

عدالت: انتخاب امام جماعت عادل

رعایت حقوق دیگران: غصبی نبودن حتی یک نخ از لباس در نماز

توجه به سیاست: نماز بی ولایت امام قبول نیست.

توجه به نظم: صفوف نماز جماعت

توجه به شهدا: تربت کربلا

توجه به بهداشت محیط: نظافت مساجد

توجه به خدا: در تمام حالات نماز

توجه به معاد: در مالک یوم الدین

توجه به انتخاب راه: اهدانا الصراط المستقیم

توجه به انتخاب همراهان خوب: صراط الذین انعمت علیهم

توجه به پرهیز از منحرفان: غیر المغضوب علیهم ولا الضالین

توجه به نبوت و اهل بیت علیهم السلام: تشهد

توجه به پاکان و صالحان: سلام

توجه به تغذیه سالم: نیاشامیدن مشروبات الکلی

توجه به آراستگی ظاهر: پوشیدن بهترین لباس، عطر زدن هنگام نماز و حتی زن ها وسایل زینتی خود را در نماز به همراه داشته باشند.

توجه به همسر: اگر بین همسران کدورتی باشد، نماز هیچ کدام پذیرفته نیست تا این که کدورت رفع شود.

این آثار و توجهات است که امام خمینی ره فرمود: نماز، کارخانه انسان سازی است!

نماز اول وقت:

یکی از کسانی که حتما نماز خود را اول وقت می خواند، وجود نازنین امام زمان علیه السلام است. بعضی از محدثان نقل کرده اند: نماز اول وقت حتما بالا می رود.

ملائکه آسمان نماز او را با نماز امام زمان علیه السلام و افراد صالح بالا می برند و از فضل و کرم خداوند به دور است نمازی که با نماز امام زمان علیه السلام بالا رود قبول نکند.

اهمیت نماز اول وقت:

اهمیت نماز اول وقت به خاطر روحیه تسلیم در آن است. کسی که صدای اذان را بشنود و وضو بگیرد و نماز بخواند روحیه تسلیم خود را به نمایش می گذارد.

کسی که اول وقت نمازش را می خواند نشان می دهد که واقعا تسلیم خداوند است.

کسی که نمازش را به تأخیر می اندازد در حقیقت نتوانسته کاملا مطیع و تسلیم امر مولی باشد و خواست خود را بر خدا ترجیح داده و همین سهل انگاری و تأخیر، باعث می شود تا اثر قرب عملش کاهش یابد.

نمازی که اول وقت خوانده شود در واقع از توجه و اهمیتی است که ما برای بهترین دوست زندگیمان قائل هستیم.

پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: فضیلت نماز اول وقت بر نماز آخر وقت مثل فضیلت آخرت بر دنیا است!

شخصی نزد شیخی آمد و گفت: سه قفل در زندگی دارم، سه کلید می خواهم.

قفل اول، دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم.

قفل دوم، دوست دارم کارم برکت داشته باشد.

قفل سوم، دوست دارم عاقبت به خیر شوم.

شیخ فرمود:

برای قفل اول: نماز اول وقت

برای قفل دوم: نماز اول وقت

برای قفل سوم: نماز اول وقت

جوان عرض کرد: سه قفل و یک کلید؟ شیخ فرمود: نماز اول وقت شاه کلید است.

هفته چهارم: احسان به والدین

وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه وبالوالدين إحسانا إما يبلغن عندك الكبر أحدهما أو كلاهما فلا تقل لهما أف... سورة مبارکه اسراء آیه

۲۳ و ۲۴

در احادیث در مورد احسان به والدین بسیار سفارش شده و از آزردن آنان نکوهش به عمل آمده است. پاداش نگاه محبت به والدین، حج مقبول است. رضایت آن دو، رضای الهی و خشم آنان، خشم خداست! در احادیث آمده: حتی اگر تو را زدند، تو "اف" نگو، خیره نگاه مکن، دست بلند مکن، جلوتر از آنان راه مرو، آنان را به نام صدا زن، کاری نکن که مردم به آنان دشنام دهند، پیش از آنان منشین و پیش از آن که از تو چیزی بخواهند به آنان کمک کن! مردی مادرش را به دوش گرفته، طواف می داد. پیامبر ﷺ را در همان حالت دید. پرسید: آیا حق مادرم را ادا کردم؟ فرمود: حتی حق یک ناله زایمان را ادا نکردی!

از پیامبر ﷺ سؤال شد: آیا پس از مرگ هم احسانی به والدین است؟ فرمود: آری، از راه نماز خواندن برای آنان، استغفار برایشان و وفا به تعهداتشان و پرداخت بدهی هایشان و احترام به دوستانشان. با توجه به آیه می توان نتیجه گرفت:

- ۱- خدمتگزاری به پدر و مادر از اوصاف موحد واقعی است.
- ۲- احسان به پدر و مادر، در کنار توحید و اطاعت از خدا آمده تا نشان دهد که این کار، یک واجب عقلی و وظیفه است.
- ۳- در احسان به والدین، مسلمان بودن شرط نیست!
- ۴- فرقی میان آن دو نیست.
- ۵- نیکی به آن دو را با دست خود و بدون واسطه انجام دهیم.
- ۶- احسان، بالاتر از انفاق است و شامل محبت و ادب، آموزش، مشورت، اطاعت، تشکر، مراقبت و امثال این ها می شود.
- ۷- احسان به والدین، حد و مرز ندارد.
- ۸- نگهداری والدین (عندک) نزد خود، که به آسایشگاه نبریم.
- ۹- فرزند در هر موقعیتی باشد، باید متواضع باشد و کمالات خود را به رخ والدین نکشد.
- ۱۰- تواضع باید از روی مهر و محبت باشد؛ نه ظاهر و برای گرفتن احوال آنان

احسان به والدین در آیات متعدد از جمله ۸۳ بقره، ۳۶ نساء، ۱۵۱ انعام و ۲۳ اسراء سفارش شده ولی در ۱۴ لقمان به صورت وصیت الهی مطرح شده است.

تشکر از والدین، در کنار تشکر از خدا مطرح شده است و جایگاه والدین به قدری بلند است که در آیه بعد می فرماید: اگر والدین تلاش کردند تو را به سوی شرک دعوت کنند از آنان اطاعت مکن.

احترام به والدین پدر و روحانی:

از حقوق انسانی است، نه اسلامی و دائمی است، نه موقت! خوب باشند یا بد، زنده باشند یا مرده. پیامبر ﷺ در روزهای پایانی عمر که در بستر بیماری بودند به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: یا علی! به میان مردم برو و با صدای بلند بگو: لعنت خدا بر کسی که عاق والدین باشد، لعنت خدا بر کسی که از مولایش بگریزد و لعنت خدا بر کسی که حق اجیر و کارگر را ندهد. حضرت علی (علیه السلام) آمدند و در میان مردم این جملات را گفتند. بعضی از مردم آن را ساده پنداشتند و گفتند: این پیام تازه ای نداشت. بار دیگر پیامبر ﷺ علی (علیه السلام) را فرستادند و فرمودند: به مردم بگو: منظور از عاق والدین، عاق کردن رهبر آسمانی است. یا علی! من و تو، پدران این امت هستیم؛ کسی که از ما اطاعت نکند و فرار کند مورد قهر خداست و من و تو برای هدایت این مردم اجیر شده ایم و کسانی که حق اجیر را ندهند مورد لعنت خدا هستند. (اجر پیامبر ﷺ محبت به اهل بیت (علیهم السلام) است)

شرافت و مزیت پدر روحانی بر پدر جسمانی، مثل مزیت روح بر بدن است. آیه "ان اشکرلی" نیز نمونه ای از آیات است که مراد

از والدین روحانی، حضرت محمد ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) هستند. (علاوه بر پدر و مادر خودمان)

جوان محتضر و شفاعت پیامبر ﷺ:

رسول خدا بر بالین جوان محتضری آمدند و کلمات شهادتین را تلقین کردند ولی جوان نتوانست بگوید. پرسیدند: آیا مادر دارد؟ زنی گفت: من مادر او هستم ولی ۶ سال است که با او حرف نزده ام و بر او غضبناکم. پیامبر ﷺ از مادر خواستند که از جوان بگذرد. مادر به خاطر پیامبر ﷺ از او گذشت و جوان زبانش به کلمه توحید باز شد. پیامبر ﷺ خوشحال شدند و فرمودند: خدا او را بخشید و جوان درگذشت!

هفته پنجم: نظم و وفای به عهد

نظم در اسلام

دقت و تأمل در عبادت های اسلامی نشان می دهد که موضوع نظم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تعیین وقت برای خواندن نمازهای یومیه، رو به قبله ایستادن، لزوم رعایت شرایطی خاص هنگام اقامه نماز مانند وضو داشتن، مشخص کردن ماهی برای روزه گرفتن از طلوع فجر تا مغرب، اعلام زمانی ویژه برای انجام دادن اعمال حج و ... همه از اهمیت نظم در عبادات است.

در موارد دیگر هم نظم به چشم می خورد، از جمله:

نظم در گفتار: چه بگویند؟ کی بگویند؟ کجا بگویند؟

نظم در نوشتن: مرتب و منظم بنویسد

نظم در آراستن و پوشیدن: لباس پاکیزه باشد و منظم

نظم در خوردن: کی بخورد؟ چه بخورد؟ و ...

نظم در راه رفتن: نه آهسته راه برود نه تند...

نظم در نشستن: کجا بنشینند و چگونه بنشینند؟

نظم در معاشرت و وعده ها: به قول خود وفا کند. سر عهد و قرار و سر ساعت بیاید.

نظم در تربیت: گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ کودک هنگام تولد، روز هفتم عقیقه کردن، ۲ سال شیر خوردن کودک - ۷ سال بازی کردن و ...

نظم در نماز جماعت: منظم بودن صف جماعت، سجده گروهی، نشستن گروهی و ...

نظم در اقتصاد: چگونگی مصرف و مدیریت در درآمد و دخل و خرج و ...

عوامل بی نظمی:

بی نظمی، آدمی را رنج را می دهد، ذهن و فکر انسان را آشفته می کند، بازدهی را کم می کند و وقت عزیز را تلف می کند. عوامل بی نظمی عبارتند از:

۱- عوامل زیستی: جو و محیط ناسالم و نامناسب

۲- عوامل روانی: فرد افسرده و بیمار

۳- عوامل عاطفی: خوشحالی زیاد یا خشم شدید یا ناراحتی

۴- عوامل اجتماعی: معاشرت با افراد بی نظم

۵- عوامل تربیتی: آموزش صحیح به کودک داده نشده

۶- عوامل فرهنگی: نقض قانون و مقررات جامعه

۷- ویژگی های فردی

از جمله موارد بی نظمی:

۱- امروز و فردا کردن است و واگذاری کار امروز به فرداست. امام علی (علیه السلام) در نامه ای به یکی از یارانش می نویسد: باقی عمرت را دریاب، امروز و فردا نکن، کسانی که پیش از تو می زیسته اند با آرزوها و امروز و فردا کردن کار را به تأخیر افکنده تا به هلاکت رسیدند و سرانجام در حال غفلت، مرگ ناگهانی آنان را فرا گرفته.

امام خمینی (ره) هیچ گاه کار امروز را به فردا موکول نمی کرد. در زندگی ایشان هر چیز سر جایش بود و هر کاری دور از شتاب زدگی و عجله و بدون دل زدگی و تأخیر، در موعد مقرر انجام می گرفت. با کثرت کارهای ایشان هیچ گاه نشانه ای از شلوغی و تراکم کارهای جا مانده در زندگی ایشان دیده نمی شد!

۲- شتاب بی جا: هر کار را وقتی است که باید در آن موقع انجام شود، شتاب در آن باعث می شود که به خوبی انجام نشود.

۳- سستی و تنبلی: اگر سستی و تنبلی از دری بیاید، نظم و انضباط از دری دیگر می رود. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: سستی و تنبلی دشمن عمل است. نتیجه سستی و تنبلی افزون بر بی نظمی، سهل انگاری و کم کاری نیز هست.

در حدیثی دیگر نیز می فرمایند: آن کس که در کارها سهل انگاری و کوتاهی کند، در گرداب مشکلات گرفتار می آید.

- ۴- در نظر گرفتن اولویت ها: این که کار را طبقه بندی کرده و کارهای مهم تر را مقدم بدانید. حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند: همانا فکر و اندیشه تو گنجایش همه کارها را ندارد، پس آن را برای کارهای مهم فارغ کن.
- ۵- دخالت در کار دیگران: کار خود را انجام ندادن و دخالت بی مورد در کار دیگران نیز از عوامل بی نظمی است.
- ۶- کارهای بیهوده: بدترین چیزی که انسان به آن مشغول می شود کارهای بیهوده است.

پیامدهای بی نظمی:

- ۱- شخص از توانایی های خود بی بهره می ماند.
- ۲- وقت مفید از دستش می رود.
- ۳- رکود تحصیلی و بازماندن از وظایف اجتماعی
- ۴- شخص بی نظم، خود خواه است و از هوی و هوس خود پیروی می کند و هرچه دلش خواست انجام می دهد.
- ۵- ضعف نفس و سستی اراده نیز از پیامدهای بی نظمی است.

راه های دست یابی به نظم:

- ۱- آموزش نظم و انضباط از کودکی
- ۲- تشویق و تنبیه: تشویق افراد شایسته و منظم و مجازات بی نظمی
- ۳- ایجاد انگیزه: از فواید نظم و منظم بودن اطلاع پیدا کند.
- ۴- تقسیم کار: تقسیم وقت و ساعت ها باعث می شود که از فرصت ها و فراغت های زندگی باخبر شود و برای آن برنامه ریزی کند.
- ۵- و از همه عوامل مهم تر برنامه ریزی است.

وفای به عهد

خداوند بزرگ خود را در قرآن باوفاترین می شمارد. **وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ** سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۱: **چه کسی به پیمانانش پایبندتر از خداست؟**

خداوند کمترین احتمال پیمان شکنی را نسبت به خود قاطعانه مردود می شمارد: **فَلَنْ يَخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَ سوره مبارکه بقره آیه ۸۰** **خداوند هرگز پیمان شکنی نمی کند.**

آیاتی که در باب وفاداری بیان شده:

- ۱- **الذین یوفون...** سوره مبارکه رعد آیه ۲۰ آن را نشانه خردمندان می داند و عهد و وفاداری را گوشزد می کند.
 - ۲- **یا ایها الذین ءامنوا أوفوا بالعقود** مائده آیه ۱: وفای به عهد را از شروط ایمان می داند.
 - ۳- وفای به عهد حتی با مشرکان! در آیه ۸۲ سوره مبارکه مائده می فرماید: بزرگ ترین دشمن شما یهود هستند و در آیه ۷ سوره مبارکه توبه دستور می دهد که پیمان را با مشرکان حفظ کنید ولی اگر پیمان شکستند با آنان به شدت برخورد کنید: سوره مبارکه توبه آیه ۱۲ و نیز در همین آیه، چرا با گروه پیمان شکنان نبرد نمی کنید؟
 - ۴- به عهد خدا پیوسته وفادار باشید. سوره مبارکه انعام آیه ۱۵۲
 - ۵- **وأوفوا بالعهد** سوره مبارکه اسراء آیه ۳۴: به عهد خود وفا کنید که از پیمان ها سؤال خواهد شد.
 - ۶- آن را نشانه مؤمن می داند و می گوید: مؤمنین به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند. سوره مبارکه مؤمنون آیه ۸
- با این آیات، جایگاه عهد و پیمان در قرآن کاملاً روشن است.

ضرورت وفای به عهد

احترام به پیمان و لزوم عمل به آن، ریشه فطری دارد و به خاطر فطری بودن این اصل در جامعه، نقض پیمان از رذایل اخلاقی شمرده می شود و در صحنه سیاسی هیچ چیز رسواتر از پیمان شکنی نیست و تنها، ملتی عزیز است که به تعهداتش عمل کند. نادیده گرفتن پیمان ها جز خودخواهی و بی اعتنائی به حقوق دیگران و سبک شمردن شخصیت آنان علتی ندارد و پیامبر ﷺ این افراد را نکوهش می کند: آن کس که به پیمان خود وفادار نیست، مسلمان نیست.

وفای به عهد مواردی دارد که در تمام موارد واجب و لازم است:

- ۱- عهد خدا با انسان **أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ** سوره مبارکه کهیس آیه ۶۰
- ۲- عهد انسان با خدا **وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ لِلَّهِ** سوره مبارکه توبه آیه ۷۵
- ۳- عهد انسان با مردم **وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا** سوره مبارکه بقره آیه ۱۷۷
- ۴- عهد رهبر با امت و بالعکس **الذین عاهدت منهم** سوره مبارکه انفال آیه ۵۶

اسوه های وفاداری:

پیامبران و رهبران الهی، نمونه ای زیبا از وفاداری هستند؛ از جمله حضرت اسماعیل (علیه السلام)، در سوره مبارکه مریم آیه ۴۵ یاد کن در کتاب، اسماعیل را؛ او در وعده اش راستگو و باوفاست. در تفسیر این آیه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که حضرت اسماعیل (علیه السلام) با شخصی قرار گذاشت و آن شخص در وعده گاه حاضر نشد و آن حضرت مدت زیادی به انتظار نشستند تا اینکه یاران آن حضرت به آن مرد خبر دادند و آن مرد با شرمساری نزد آن حضرت آمده و گفت که قرار خود را فراموش کرده بوده، ایشان فرمودند: اگر نیامده بودی همچنان اینجا می ماندم!

در مورد پیامبر اسلام ﷺ نیز آمده که با شخصی در کنار صخره ای قرار داشتند، آن مرد نیامد. آفتاب شدت گرفت. یاران گفتند: در سایه منتظر بایستید! آن حضرت فرمودند: که من اینجا با او وعده دیدار دارم و تا او نیاید از اینجا حرکت نمی کنم!

نمونه دیگر از وفاداری و وفای به عهد:

حجاج، گروهی را فرمان قتل داد. وقتی به نوبت آخرین رسید اذان شروع شد. حجاج گفت: او را ببرید و فردا بیاورید. آن مرد به مأمور حجاج گفت: اجازه بده من بروم با خانواده خداحافظی کنم و حقوق مردی را ادا کنم، صبح برمی گردم. اول مأمور اجازه نداد ولی بعد اجازه داد و مرد رفت و مأمور پشیمان شد. صبح، آن مرد برگشت. وقتی مأمور پرسید: چرا برگشتی؟ گفت: من با تو عهد کردم و خدا را گواه وفای خود گرفتم و از سوی دیگر به رحمت خدا امید دارم. مأمور حکایت خود و مرد را به حجاج گفت، حجاج او را به مأمور بخشید و مأمور او را آزاد ساخت؛ ولی آن مرد از مأمور تشکر نکرد و رفت. فردا برگشت و از مأمور تشکر کرد و گفت: من خدا را نجات دهنده خود می دانستم و تو وسیله بودی، اگر اول از تو تشکر می کردم تو را در نعمت خدا شریک می دانستم پس اول از خدا تشکر کردم و آن گاه از تو قدردانی نمودم!

زیان های پیمان شکنی:

۱- هر کس پیمان شکنی کند به زیان خود کرده: **فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ** سوره مبارکه فتح آیه ۱۰

۲- سلب اعتماد عمومی؛ امام علی (علیه السلام) می فرماید: بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی کند اعتماد مکن!

پیرایه کش من که روانش خوش باد / گفت پرہیز کن از صحبت پیمان شکنان (حضرت حافظ)

هفته ششم: توکل به خدا

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: من توکل علی الله ذلت له الصعاب و تسهلت علیه الأسباب

هر کس به خدا توکل کند، دشواری ها برای او آسان می شود و اسباب برایش فراهم می گردد. غرر المکم ج ۵ ص ۴۲۵
در داستان به آتش انداختن حضرت ابراهیم (علیه السلام) توسط نمرود آمده است:

هنگامی که حضرت را در منجنیق گذاردند که به آتش افکنند گفت: مسبب الله و "توکلت علی الله"
یعنی: کفایت مرا در هر حال و هیچ چیز دیگر را اعتنا ندارم.

در کتاب علل الشرایع با استناد به امام رضا (علیه السلام) می نویسد: همانا خداوند تعالی ابراهیم (علیه السلام) را خلیل و دوست خود گرفت؛ چون او هیچ وقت احدی غیر خدا را اراده نکرد و از هیچ کس جز خدای عز و جل درخواستی ننمود. (همچنان مشهور است وقتی ابراهیم (علیه السلام) را در منجنیق نشانده و می خواستند به سوی آتش پرتاب کنند جبرئیل به نزدش آمد و گفت: آیا حاجتی داری؟ فرمود: آری ولی به شخص تو خیر! یعنی خدای من در بر آوردن حاجتم مرا کفایت می کند. ترجمه قصص الانبیاء جزایری ص ۱۵۴ سپس گفت: توکلت علی الله پس خدای تبارک و تعالی فرمود: "سرد باش" در این وقت سرما چنان شد که دندان های ابراهیم (علیه السلام) از سرما به هم می خورد تا این که به دنبال آن خدای عز و جل فرمود: قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم سوره

مبارکه انبیاء آیه ۶۹ ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش!

ای یافته از جانب حق نعمت و ناز از نهاد مبریش کسی دست نیاز

گر خیر خود از غیر خدای جویی اشک نیست که ناامید می کردی باز

هفته هفتم: شکر نعمت

وَإِذْ تَأْتِيكُمْ رِيحٌ كَرِيمٌ لَأُزِيدَنَّكُمْ وَرِيحٌ كَرِيمٌ لَأُزِيدَنَّكُمْ وَإِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ سوره مبارکه ابراهیم آیه ۷

و (نیز به یاد آور) هنگامی که پروردگار(تان) اعلام فرموده: همانا اگر شکر کنید قطعا (نعمت های) شما را می افزایم و اگر کفران کنید البته عذاب من سفت است.

*امام صادق (علیه السلام) فرمودند: شکر نعمت، دوری از گناه است و نیز فرمودند: شکر، آن است که انسان نعمت را از خدا بداند (نه از زیرکی و علم و عقل و تلاش خود یا دیگران) و به آنچه خدا داده راضی باشد و نعمت های الهی را وسیله ی گناه قرار ندهد. شکر واقعی آن است که انسان نعمت خدا را در مسیر خدا قرار دهد.

*شکر در برابر نعمت های الهی بسیار ناچیز و ناقابل است. به قول سعدی:

بنده بان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدا آورد

ورنه سزاوار خداوندش / اکس تواند که به جا آورد

در حدیث می خوانیم که خداوند به موسی (علیه السلام) وحی کرد حق شکر مرا به جا آور. موسی (علیه السلام) گفت: این کار امکان ندارد زیرا هر کلمه ی شکر نیز شکر دیگری لازم دارد. وحی آمد همین اقرار تو و این که می دانی هرچه هست از من است بهترین شکر من است.

*به گفته روایات، کسی که از مردم تشکر نکند از خدا نیز تشکر نکرده است.

شکر نعمت مراحل دارد:

الف- شکر قلبی که انسان همه نعمت ها را از خدا بداند.

ب- شکر زبانی، نظیر گفتن الحمد لله

ج- شکر عملی، که با انجام عبادات و صرف کردن عمر و اموال در مسیر رضای خدا و خدمت به مردم به دست می آید.

*یکی از بزرگ ترین نعمت هایی که خداوند به ما داده است نعمت حفظ قرآن می باشد که طبق آیه ای که در بالا آمد اگر شکر آن را به جا آوریم بر آن افزوده می شود.

*یکی از مصادیق شکر نعمت خدا، تلاوت و مرور روزانه قرآن کریم می باشد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: به درستی که این قرآن سفره ی ضیافت خداست، پس تا توان دارید از این سفره ی ضیافت بهره گیری و بیاموزید.

و در روایتی دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: حکایت قرآن برای حافظی که شب و روز آن را می خواند (و مرور می کند) تا در ذهن نگه دارد، مانند حکایت مردی است که شتری دارد، اگر زانوی شتر را ببندد آن را نزد خود نگه داشته و اگر زانوبندش را باز کند شتر می رود. (یعنی اگر شخصی قرآن را مرتب مرور کند در حافظه می ماند و به طور طبیعی توفیق عمل نیز بیشتر است، و اگر آن را مرور نکند از حافظه اش پاک شده و طبعاً عمل به آن نیز کمتر است)

*برخی از برکات و آثار تلاوت و مرور روزانه قرآن عبارتند از:

از دیاد ایمان، تواضع و توکل به خداوند، انس و آشنایی بیشتر با کلام پروردگار و انتخاب راه صحیح زندگانی، باز دارنده از معاصی، بهره مندی از حکمت، حضور ملائکه در خانه و دور شدن شیاطین، امنیت از بلاهای دنیوی و اخروی، نزدیکی به اجابت دعاها، زنده ماندن دل و...

*با این که همه نعمت ها از جانب خداوند است و بندگان در هر نعمتی رهین منت او هستند، ولی در خصوص چند نعمت در قرآن تعبیر به منت شده است که از اهمیت بالای آن ها حکایت دارد از جمله:

الف - نعمت اسلام (كذالك كنتم من قبل فمّن الله علیكم) سوره مبارکه نساء آیه ۹۴

ب- نعمت نبوت (لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولا) سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۴

ج- نعمت هدايت (بل الله يمن عليكم ان هداكم) سوره مبارکه حجرات آيه ١٧

د- نعمت حاكميت مومنان (ونريدان ممن على الذين استضعفوا في الارض) سوره مبارکه قصص آيه ٥

هفته هشتم: کفران نعمت

وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ لَنَا بِشُكْرٍ لَّأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (سوره مبارکه ابراهیم آیه ۷)

و (نیز به یاد آور) هنگامی که پروردگار(تان) اعلام فرموده: همانا اگر شکر کنید قطعا (نعمت های) شما را می افزایم و اگر کفران کنید البته عذاب من سفت است.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: گروهی از بنی اسرائیل آن چنان زندگی مرفهی داشتند که حتی از مواد غذایی مجسمه می ساختند و گاهی با آن بدن خود را پاک می کردند، اما سرانجام کار آن ها به جایی رسید که مجبور شدند همان مواد غذایی آلوده را بخورند.

و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: پدرم ناراحت می شد از این که دست آلوده به غذا را با دستمال پاک کند و به احترام غذا، دست خود را می لیسید.

خداوند در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه نحل می فرماید: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود (و) روزی اش از هر سو فراوان می رسید؛ پس (ساکنانش) نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به (سزای) آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به (مردم) آن چشانید. قرآن کریم در این آیه به تمام کسانی که غرق در نعمت های الهی هستند هشدار می دهد که اسراف و زیاده روی در نعمت ها جریمه ی سنگین دارد و باعث ابتلا به عواقب زیادی می گردد.

از این آیه می آموزیم که:

۱- کفران نعمت هم عذاب جسمی دارد (فقر و گرسنگی)، هم عذاب روحی و روانی (ترس و ناامنی)

۲- کفران نعمت باعث از دست دادن آن است (فأذاقها الله)

۳- کفران نعمت در همین دنیا عقاب دارد.

۴- امنیت و آرامش در رأس نعمت ها و زمینه ای در توسعه رزق و اقتصاد جامعه است. (قریة كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها)

مراتب کفران نعمت:

۱- این که انسان نعمتی را نمی شناسد و بود و نبود آن نعمت برایش یکسان است و یا این که آن نعمت را از غیر خدا می

داند که هر دوی آن از گناهان کبیره است و به آن وعده عقاب داده شده است.

۲- این که انسان پس از آن که نعمتی به او رسید به جای این که شاد باشد از این که مورد لطف و عنایت خداوند قرار

گرفته و به فضل و ادامه لطف پروردگارش امیدوار باشد به پروردگارش بدگمان بوده و به فضلش امیدی نداشته باشد و از او بریده و مأیوس باشد که این، کفر به نعمت های خداوندی است.

۳- این که در عوض ذکر نعمت ها و شکر آن به زبانش، (وَأَمَّا نِعْمَتُ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) همه را نادیده گرفته و از نرسیدن به

آرزوهای موهوم خود شکایت کرده و نیز نعمت خدا را در غیر آنچه برای آن آفریده شده صرف نماید و اعضای خود را در آنچه مورد نهدی خدا و موجب دوری از رحمت اوست به کار اندازد.

*ولایت؛ بالاترین نعمت هاست:

*بالاترین و مهم ترین نعمتی که به ما داده شده، ولایت آل محمد (علیهم السلام) است و کفران این نعمت از هر گناهی سخت تر است.

خداوند در سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۴ می فرماید: أَلَمْ تَرَأِ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ؛ آیا ندیدی کسانی را که

نعمت خدا را به کفر دگرگون کردند و قوم خود را به جهنم گشتاندند؟ در اخبار بسیاری وارد شده که نعمت، اهل بیت عصمت و

طهارتند و کفر، بنی امیه و دشمنان آل محمد (علیهم السلام) می باشند.

در روایات بسیاری آمده است که مراد از نعیم در آیه ۸ سوره مبارکه تکوین (وَلتسئلن یومئذ عن النعیم) در قیامت از نعمت سؤال کرده فواید شد، همان ولایت آل محمد ﷺ می باشد.

نعمت حفظ قرآن

از فضیل بن عیاض نقل شده است که گفت: اگر حامل و حافظ قرآن معصیت کند، قرآن از سینه او خارج می شود و به گوشه ای می نشیند و می گوید: "آیا برای انجام این کارها حامل من شدی؟"

* و به درستی که تعداد نعمت های الهی از حد و شماره بیرون است (وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها) آیه ۱۸ سوره مبارکه نحل؛ که شکر آن ها به استفاده صحیح و کفران آن ها موجب عقوبت است و ما فقط ۲ مورد از مهم ترین آن ها را در بالا آوردیم.

هفته نهم: آداب سخن گفتن

علمه البیان سوره مبارکه الرحمن آیه ۴ به او بیان آموخت.

قدرت بیان و سخن گفتن، هدیه الهی به انسان است و قرآن برای شیوه بیان، دستوراتی داده است از جمله:

- مستدل و محکم باشد. قولاً سدیداً (سوره مبارکه نساء آیه ۹)

- پسندیده و به اندازه باشد. قولاً معروفاً (سوره مبارکه بقره آیه ۲۳۵)

- نرم و مهربانانه باشد. قولاً لئیناً (سوره مبارکه طه آیه ۴۴)

- شیوا، رسا و واضح باشد. قولاً بلیغاً (سوره مبارکه نساء آیه ۶۳)

- کریمانه و بزرگووارانه باشد. قولاً کریماً (سوره مبارکه اسراء آیه ۲۳)

- زیبا و نیکو و مطلوب باشد. قولوا للناس حسناً (سوره مبارکه بقره آیه ۸۳)

- بهترین ها گفته شود. يقول الّتی هی أحسن (سوره مبارکه اسراء آیه ۵۳)

* یکی از موارد سخن گفتن که آداب آن به صورت بسیار زیبا در قرآن برای ما توصیف شده است نحوه سخن گفتن با نامحرم است که در آیه ۲۴ سوره مبارکه قصص شرح داده شده است:

پس از آن که حضرت موسی (علیه السلام) به گوسفندان دختران شعیب آب داد و حضرت شعیب (علیه السلام) یکی از دخترانش را به دنبال موسی (علیه السلام) فرستاد، قرآن حیای دختر شعیب را در گفتار و سخن گفتن با موسای جوان این گونه بیان می کند: "قالت إنّ ابی یدعوك لیحزیک أجر ما سقیت لنا" پدرم تو را می فواید تا برای آب دادن ما پاداشت دهد. وقار و حیا از گفتار دختر پیداست. دختر برای دعوت از موسی (علیه السلام) آمده است. برای انجام این مقصود، کلمات و جمله ها را در ذهن خویش زیر و رو می کند و به دنبال جمله مناسبی می گردد؛ "به خانه ما بیا" اندکی به آن می اندیشد نه جمله خوبی نیست، "به خانه ما بیا" از لفظ «ما» تصویر دو دختر در ذهنش می آید. خدایا! پس چه بگویم؟ خوب است از پدر مایه بگذارم، بله این بهتر است. به موسی (علیه السلام) می گوید: "إنّ ابی یدعوك، پدرم تو را می فواید" یعنی من، دعوت کننده ی تو نیستم و با زیرکی خود، این سؤال را که ممکن بود در ذهن موسی (علیه السلام) به وجود آید (چرا از من دعوت کرده اید تا به خانه تان بیایم) نیز پاسخ می گوید و در ادامه می گوید: "لیحزیک أجر ما سقیت لنا، پدرم تو را می فواید برای آب دادن ما پاداشت دهد."

مسلم است برای گفتار دختر با پسر دو نکته اساسی باید در نظر گرفته شود: ۱- کنترل بر صدا از سوی دختران (فلا تخضعن بالقول)، دلبرانه سخن نگفتن ۲- کنترل بر انگیزه های درونی از سوی پسران (با سوء نیت برخورد نکردن). که ما این دو نکته را به روشنی در مکالمه حضرت موسی (علیه السلام) با دختر شعیب می بینیم. به ویژه هنگامی که می بینیم پس از قبول دعوت شعیب (علیه السلام) دختر از جلو و موسی (علیه السلام) از پشت حرکت می کند. بادی می وزد و جامه دختر را به بازی می گیرد. موسی (علیه السلام) دختر را صدا می زند و به او می گوید: ای کنیز خدا! تو از پشت سر من بیا و راه را به من بنما. آیا جلوه های رفتاری و گفتاری یک جوان و نظارت او بر اعمال و گفتارش را بهتر از این می توان تبیین کرد؟

* از دیگر آداب سخن گفتن، نحوه سخن گفتن با پدر و مادر می باشد. ولاتقل لهما آت آیه ۲۳ سوره مبارکه اسراء

* آداب سخن گفتن در برابر استاد نیز یکی از مواردی است که توسط بزرگان بسیار به آن تأکید شده است.

سوره مبارکه اسراء ۲۸ سوره مبارکه الرحمن آیه ۴ علمه البیان: به او بیان آموخت

قدرت بیان و سخن گفتن، هدیه الهی به انسان است و قرآن برای سخن گفتن با مردم دستوراتی داده است از جمله:

مستدل و محکم باشد؛ قولاً سدیداً سوره مبارکه نساء آیه ۹
پسندیده و به اندازه باشد؛ قولاً معروفاً سوره مبارکه بقره ۲۳۵
نرم و مهربانانه باشد؛ قولاً لیناً سوره مبارکه طه ۴۴
شیوا، رسا و واضح باشد؛ قولاً بلیغاً سوره مبارکه نساء آیه ۶۳
کریمانه و بزرگوارانانه باشد؛ قولاً کریماً سوره مبارکه اسراء ۲۳
زیبا، نیکو و مطلوب باشد؛ قولاً للناس حسناً سوره مبارکه بقره ۸۳
بهترین ها گفته شود؛ یقولوا لى هی احسن سوره مبارکه اسراء ۸۳
حتى مجادلات و گفتگوهای انتقادی به بهترین وجه باشد؛ جادلهم بالتى هی احسن سوره مبارکه نحل ۱۲۵

هفته دهم: انفاق

"مثل الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله کمثل حبه أنبتت سع سنابل فی کل سنبله مائه حبه و الله یضاعف لمن یشاء و الله واسع علیم" سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۱: مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند چون دانه ای است که هفت فوشه برویاند که در هر فوشه یک صد دانه باشد و خدا برای هرکس که بخواهد (شایستگی داشته باشد) چند برابر می کند و خدا (از نظر قدرت و همت) وسیع و (به همه چیز) داناست.

*انفاق در راه خدا یکی از مهم ترین و جدی ترین دستورات دینی است و اسلام به شدت به آن تأکید دارد، تا جایی که نامش در آیات ابتدای کتاب خدا در ردیف ایمان به غیب و نماز جای گرفته است.

مال را کز بر دین باشی حمل نعم مال صلح خواند آن رسول
آب در کشتی هلاک کشتی است آب اندر زیر کشتی پستی است "مولوی"

ده ها عامل طبیعی و غیر طبیعی در جامعه و محیط وجود دارد که هر کدام به تنهایی می تواند توان اقتصادی و معیشتی افراد را متزلزل کند و باعث پیدایش فاصله طبقاتی و ظهور و بروز گروه غنی و فقیر و قشر آسیب پذیر شود؛ در چنین شرایطی چه چیزی جز تعاون، انفاق و فداکاری می تواند علاج این مشکلات و دردهای جامعه باشد؟

آثار انفاق:

انفاق در راه خدا نه تنها موجب کاهش مال و ثروت نمی شود بلکه موجب افزایش آن نیز می شود؛ در آیه ۲۶۱ سوره مبارکه بقره خداوند وعده تا ۷۰۰ برابر شدن مالی که انفاق شده را داده است و این وعده ازدیاد مال از طرف خداوند می تواند انسان را از زندان بخل و مال اندوزی نجات دهد و این تنها اثر شگفت و خوشایند مالی انفاق و سایر آثار ارزشمند دنیوی آن (مانند جلب برکات، رزق، دفع بلا و مصائب و جلوگیری از فقر) است و گرنه پاداش بی شمار اخروی در روز قیامت (یوم الحسره) خود حدیث مفصل دیگری است.

البته ذکر یک نکته بسیار لازم و شایسته است و آن این که انفاق ارزشمند، انفاقی است که منت، اذیت و تحقیری در پی نداشته باشد؛ زیرا حسنه آن حسنه ایست که با سیئه ای (گناه) آمیخته نشود.

*انفاق دارای در جاتی است:

گام اول: بخشش و فضل از داده های الهی أنفقوا مما رزقناکم سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۴

گام دوم: بخشش از دسترنج و کسب حلال أنفقوا من طیبات ما کسبتم سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۷

گام سوم: بخشش از آنچه دوست دارید لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون سوره مبارکه آل عمران آیه ۹۴

گام چهارم: ایثار و یؤثرون علی أنفسهم ولو کان بهم خصاصة سوره مبارکه حشر آیه ۹

*انفاق بر دو نوع است:

۱- انفاق واجب؛ شامل زکات، خمس، نفقه های واجب

۲- انفاق مستحب؛ شامل صدقه، هدیه، ضیافت، قرض الحسنه و ... که در آینده خواهد آمد.

هفته یازدهم: زکات

"وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَبُوا مَعِ الرَّاكِبِينَ" سوره مبارکه بقره آیه ۴۳

و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان، رکوع کنید.

*یکی از انفاق های واجب، زکات است که در شرایطی، پرداخت آن واجب می شود.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: در چه مقدار مال، زکات واجب می شود؟ حضرت فرمودند: زکات ظاهر یا باطن؟ گفتند: هر دو. حضرت ابتدا نصایب را برای زکات ظاهر بیان نموده و آن گاه در بیان زکات باطن فرمودند: آنچه را برادر دینی ات نیازمندتر از توست، او را انتخاب و ترجیح دهی.

"والذین یکنزون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم * یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لأنفسکم فذوقوا ما کنتم تکتزون" سوره مبارکه توبه آیات ۳۴ و ۳۵

و کسانی که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (وزی که آن اندوخته ها) را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده و با آن، پیشانی و پهلو و پشت آنان را داغ می نهند (و به آنان می گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید و گنج سافتید. پس بپشید چیزی را که برای خود می اندوختید.

*در روایات ذکر شده که منظور از "کنز" در آیه بالا، هر مالی است که زکات و سایر حقوق واجب آن ادا نشده باشد.

*امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند این مال های اضافی را به شما عطا کرد تا در مسیر او خرج کنید نه آنکه احتکار و گنج کنید. طبق روایات، امام زمان (علیه السلام) چون ظهور کند، گنج ها را حرام می کند و همه را به مصرف مبارزات خود می رساند.

*پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند در مال مسلمان ثروتمند، به مقداری زکات واجب کرده که کفاف فقر را بدهد. آگاه باش خداوند آنان را اگر به وظیفه خود عمل نکنند، حسابرسی شدید می کند.

*از آثار دنیوی زکات، زیاد شدن مال است که اگر انفاق، در راه خدا و با شرایط آن واقع شود وعده حتمی الهی است که برکت می یابد. (بر خلاف وسوسه های شیطانی)

ترک زکات:

در حدیث آمده هر که را خداوند مالی عطا کند و از روی بخل، زکات آن را ادا نکند روز قیامت، مال او به صورت ماری بزرگ مجسم می شود که از بسیاری زهر و حدت او موی بر سرش نمانده باشد و دو نقطه سیاه زیر چشم هایش آشکار بود و چنین ماری، موذی ترین مارهاست. پس آن مار، طوقی بر گردن او شده هر دو کناره صورت و دهان او را بگیرد و از روی سرزنش به او گوید که من مال تو هستم که در دنیا به آن بر دیگران فخر می فروختی.

کنج را از دل برون کن، مال را بگلن ز چشم مال تو ماست در معنی و کج است اژدهاست.

*داستانی درباره ترک زکات در کتاب "عاقبت گناهکاران" آمده است که بیان آن خالی از لطف نیست:

چند سال قبل یک نفر از بزرگان شیراز را دیدم که پیوسته انگشت خود در دهان می گذاشت مانند کسی که آتش، انگشت او را سوزانیده باشد و بخواهد سوزش انگشت را با آب دهان تسکین دهد. از او علت این کار را پرسیدم. گفت: مرا قضیه ای است عجیب، من برادری داشتم بسیار ثروتمند و پول پرست و برای او وارثی غیر از من نبود و به من وصیت کرد که کیسه ای پر از پول و طلا دارم، این کیسه را با من دفن کن. برادرم که مرد، پس از دفن برادرم، خودم را به قبر رسانده و کیسه پول را در گوشه قبر پنهان کردم و از قبر بیرون آمدم. مدتی گذشت، قضیه را به علما گفتم. علما گفتند: خلاف شرع عمل کردی و آن پول را می بایست به فقرا می دادی و برای برادرت خیرات می کردی. بنابراین به سراغ قبر کن رفتیم و گفتم کیف اسنادم در قبر رها شده می خواهم بردارم. قبر کن خاک ها و لحد را کنار زد، دیدم کیسه پول خالی است در صورتی که هیچ جای کیسه پاره نبود. پس کفن را از روی صورت برادرم کنار زدم. ناگهان دیدم تمام لیره ها روی صورت و اندام او چسبیده است. پس دست بردم که لیره ها را از روی پیشانی او بردارم، چنان داغ بود که گویا انگشتانم را عقرب نیش زده است و دیدم که لیره ها توی گوشت او فرو

رفته و به استخوان متصل شده است. از آن روز تا کنون گویا انگشتانم با آهن سرخ شده، برخورد داشته و پزشکان هم نتوانسته اند آن را معالجه کنند.

هفته دوازدهم: خمس

"واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله خمسها وللرسول ولذی القربى والیتامى والمساکین وابن السبیل ان کنتم امنتم بالله وما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقى الجمعان والله علی کل شیء قدير" سوره مبارکه انفال آیه ۴۲ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای فدا و برای پیامبر و برای فویشاهوندان (او) و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر (از آن ها) است، اگر به فدا و آنچه بر بنده فود در (روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان در جنگ بدر) نازل کرده ایم، ایمان آورده اید؛ و فداوند بر هر چیزی تواناست.

پس از زکات، مهم ترین واجب الهی، خمس است که خداوند آن را برای پیامبر ﷺ و ذریه اش در عوض زکات که بر آن ها حرام فرموده قرار داده است و کسی که یک درهم یا کمتر از آن خمس را ندهد در زمره ستم کنندگان و غضب کنندگان حق آل محمد ﷺ خواهد بود و اگر آن را حلال بداند و منکر وجوب آن شود از جمله کافرین است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: "چون خداوند بر ما اهل بیت، زکات را حرام فرمود، خمس را برای ما فرستاد. پس صدقه بر ما حرام و خمس برای ما واجب و هدیه برای ما حلال است."

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: "برای کسی حلال نیست از مالی که خمس آن را نداده چیزی بخرد تا خمسش را به ما برساند." و نیز می فرمایند: "سخت ترین حالات مردم در روز قیامت وقتی است که مستحقین خمس برخیزند و حق خود را از کسانی که به آن ها نپرداخته اند، مطالبه کنند."

خمس باعث توسعه رزق، پاکیزگی مال و ذخیره فردا

مردی از تجار فارس از دوستان حضرت رضا (علیه السلام) به آن حضرت نامه نوشت و اجازه خواست تا در مالی که خمسش را نداده، تصرف کند. حضرت در جواب نوشتند: "جز این نیست که خداوند واسع و کریم است و ثواب و جزای خیر را برای کسی که به آنچه فرموده عمل کند و عذاب را برای کسی که مخالفت ورزد، ضامن شده است. حلال نیست مالی مگر از راهی که خدا حلال فرموده است. جز این نیست که خمس مورد نیاز ماست برای امر دین ما و اداره معیشت نان خورهای ما و دوستان ما و برای صرف کردن جهت حفظ آبرویمان از کسانی که از آزارشان ترسانیم. پس خمس را از ما دریغ ندارید و خودتان را تا بتوانید از دعای ما محروم نسازید. جز این نیست که خمس دادن سبب توسعه رزق شما و پاک کردن گناهانتان و ذخیره روز بیچارگی و پریشانی (قیامت) شماست و مسلمان کسی است که به آنچه با خدا از اطاعات و بندگی عهد نموده وفا کننده باشد و کسی که با زبان اجابت خدا کند و به قلب، مخالفت نماید مسلمان نیست."

موارد وجوب خمس و مصرف آن

خمس در ۷ چیز واجب می شود: آنچه در جنگ غنیمت گرفته می شود، آنچه از دریا به وسیله غواصان بیرون می آید، گنجی که به دست می آید، آنچه از معدن استخراج می شود، آنچه پس از مخارج سالیانه از کسب به دست می آید، مال حلالی که با حرام آمیخته شده و مقدارش معلوم نیست، زمینی که از مسلمان به کافر ذمی منتقل می گردد.

برای هر یک از موارد بالا، شرایط و احکامی است که باید به رساله عملیه مرجع تقلید مورد نظر، مراجعه شود.

- خمس شامل دو قسمت است: که یک قسمت آن سهم سادات است که باید به سید فقیر یا یتیم یا سیدی که در سفر درمانده است رسانید و نصف دیگر آن سهم امام است که در این زمان به مجتهد جامع شرایط که نایب عام آن حضرت است باید رسانید یا در موردی که اذن می دهد صرف کرد.

هفته سیزدهم: انفاق های مستحب

انفاق های مستحب انواعی دارد:

۱- صدقه مستحب: که آیات و روایات فراوانی در تأکید آن آمده است خصوصاً در اوقات مخصوص مانند جمعه، عرفة، ماه رمضان و بر طوایف مخصوص مانند همسایگان و ارحام؛ و درباره اثرات آن: دواى مریضی، برطرف کننده بلا و نازل کننده رزق و زیاد کننده ی مال و تأخیر اندازنده ی مرگ بد و سوختن و غرق شدن و جنون آمده است. در مورد حداقل میزان آن حدی ندارد اگر به مقدار دانه خرمایی باشد.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از شاگردانش فرمود که خداوند متعال می فرماید: برخی از بندگان من نصف خرمایی صدقه می دهند و انفاق می کنند و من برای او چنان می پردازم که مانند کوه احد شود.

یک دانه اگر کاری صد سنبه برداری / پس کوش چه می خاری؟ / داده چه به درویشان مولوی

۲- هدیه و آن چیزی است که شخص به برادر دینی خود، ثروتمند یا تهی دست می دهد برای زیاد شدن دوستی؛ و اگر با قصد قربت باشد از عبادت بزرگ است. از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: اگر چیزی به عنوان هدیه به برادر دینی ام بدهم دوست تر دارم که مثل آن را صدقه بدهم.

۳- ضیافت: که روایات در فضیلت مهمانی مؤمن زیاد است و از اخلاق انبیاء (علیهم السلام) است. روایت است که هفت روز بر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گذشت و به آن حضرت میهمانی نرسید، پس حضرت گریه می کرد و می فرمود: می ترسم شاید خدا مر از نظر لطف انداخته باشد.

۴- حق معلوم: آن مقداری از مال است که شخص مسلمان به اندازه توان خود قرار می گذارد که هر روز یا هر هفته یا هر ماه به طور استمرار به محتاج و ارحام خود بپردازد (سوره مبارکه معارج آیه ۲۴)

۵- حق حصه: آن مقداری از زراعت است که زارع هنگام برداشت خود به رهگذران می دهد بدون اینکه بابت زکات محسوب کند (سوره مبارکه انعام آیه ۱۴۱)

۶- قرض الحسنه دادن: امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: بر در بهشت نوشته شده است صدقه دادن ۱۰ حسنه و قرض دادن ۱۸ حسنه دارد و نیست مؤمنی که به مؤمنی قرض دهد در حالی که منظورش رضای خدا باشد مگر اینکه خداوند آن مال را برایش صدقه حساب می فرماید تا زمانی که مالش به او رد شود. و نیز می فرمایند: "ماعون" که در قرآن مجید وعده عذاب بر ترک آن داده شده زکات نیست، بلکه منظور قرض دادن به محتاجان و عاریه دادن اثاث خانه به طلب کنندگان است.

۷- مهلت دادن یا حلال کردن بدهکاری که نتواند بدهی خود را بپردازد. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: کسی که بخواهد در پناه خدا باشد در روزی که جز پناه او پناهی نیست، پس باید بدهکار بیچاره و درمانده را مهلت دهد یا اینکه حق خود را بر او حلال کند.

۸- بذل لباس و مسکن به محتاجان: امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: کسی که برادر دینی خود را لباس بپوشاند بر خداوند حق است که بر او لباسی از لباس های بهشتی بپوشاند و سختی های مردن را بر او آسان نماید و قبرش را برایش گشاد فرماید و در قیامت ملائکه را با بشارت، ملاقات کند هنگامی که از قبر بیرون می آید.

۹- بذل مال برای حفظ آبرو و احترام خود و دفع شر اشرار و ظلم ظالمین: روایت است بهترین انفاق ها، انفاقی است که به وسیله آن آبرو نگه داشته شود.

۱۰- خیرات جاریه: مانند مسجد، مدرسه، پل، حفر کردن چشمه آب جاری و انتشارات کتب دینی و... امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: پس از مردن شخص، بهره ای به او نمی رسد مگر از ۳ چیز: صدقه ای که در حال زندگی آن را جاری ساخته و پس از مرگش هم جاری است، دیگر سنت خیری که آن را پایه گذاری کرده (مانند اذان گفتن و...) و پس از مرگش به آن سنت عمل شود، سوم فرزند صالحی که برای او دعا و استغفار کند.

هفته چهاردهم: آرامش و اضطراب

عوامل آرامش و دلگرمی: آیه ۲۸ سوره مبارکه رعد

دستیابی به اطمینان و آرامش، عوامل گوناگونی دارد. کسی که می داند ذره مثقالی از کارش حساب دارد نسبت به تلاش و فعالیتش دلگرم است؛ سوره مبارکه زلزله آیه ۷ مثقال ذره خیرایره

کسی که می داند بر اساس لطف و رحمت الهی آفریده شده امیدوار است؛ سوره مبارکه هود آیه ۱۱۹

کسی که می داند خداوند در کمین ستمگران است آرامش دارد.

کسی که می داند خداوند حکیم و علیم است و هیچ موجودی را بیهوده خلق نکرده خوش بین است.

کسی که می داند راهش روشن و آینده اش بهتر از گذشته است قلبش مطمئن است.

کسی که می داند امام و رهبرش انسانی کامل، انتخاب شده از جانب خدا و معصوم از هر لغزش و خطاست آرام است. سوره مبارکه

بقره آیه ۱۲۴

کسی که می داند کار نیک او تا ۷۰۰ برابر بلکه بی نهایت پاداش دارد و کار زشتش ۱ لغزش به حساب می آید دلخوش است. سوره

مبارکه بقره آیه ۲۶۱

کسی که می داند خداوند نیکوکاران را دوست دارد به کار نیکش دلگرم است. سوره مبارکه بقره آیه ۱۹۵ **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**

کسی که می داند کار خیرش آشکار و کار شرش پنهان می ماند شاد است. **يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ**

عوامل اضطراب و نگرانی:

یکی از شایع ترین بیماری های عصر حاضر، اضطراب و افسردگی است که علائمی دارد همچون: انزواطلبی، در خود فرو رفتن، خود کم بینی و بیهوده انگاری

شخص افسرده: همه چیز مطابق میلش نیست ← افسرده می شود **جواب** ← نباید به خاطر نرسیدن به همه چیز از مقدار ممکن آن هم دست برداریم و تسلیم شویم.

شخص افسرده: همه مرا دوست ندارند ← افسرده می شود **جواب** ← امر غیر ممکن است در حالی که در قرآن می فرماید: **هَتَىٰ فُجِدَ وَ جِبْرِئِيلُ (أَمْ هَمَّ دَثْمَنَ دَارِنْدَ، سوره مبارکه بقره آیه ۹۸)**

شخص افسرده: همه بد هستند ← خداوند به فرشتگان هم که این توهم را داشتند پاسخ داد. سوره مبارکه بقره آیه ۳۰

شخص افسرده: همه ناگواری ها از بیرون وجود اوست ← عمده تلخی ها پاسخ رفتار و کردار خود ماست.

هَرَّجَ كُنِيَ بِرُخْدُكُنِيَ إِنْ كُنِيَ نِيكًا وَ بَدَّ كُنِيَ سوره مبارکه اسراء آیه ۷

شخص افسرده: از شروع کار نگران است و می ترسد **حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: از هر چه می ترسی خود را در آن بینداز**

که ترس هر چیز، بیش از خود آن است. **بِمَا (الأنوار) ه ۷۱ ص ۲۶۲**

شخص افسرده: مضطرب و نگران آینده است ← درمان آن توکل و پشتکار است.

همه این مشکلات را با یاد خدا و قدرت و عفو و لطف او می توان به آرامش و شادابی مبدل ساخت.

وسایل آرامش بخش:

در قرآن برخی امور به عنوان وسیله آرامش معرفی شده اند.

۱- یاد خدا **سوره مبارکه رعد آیه ۲۸ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ.....**

۲- امداد غیبی **سوره مبارکه فتح آیه ۴ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ**

٣- آثار و اشیاء مقدس سورہ مبارکہ بقرہ آیه ٢٤٨ أن يأتيكم التابوت

٤- تشويق اوليای الہی سورہ مبارکہ توبہ آیه ١٠٣ إن صلاتك سكن لهم

٥- سر پناه و خانہ سورہ مبارکہ نمل آیه ٨٠ والله جعل لكم من بيوتكم سكن

٦- همسر سورہ مبارکہ روم آیه ٢ خلق لكم من انفسكم

٧- شب سورہ مبارکہ نمل آیه ٨٦ إنا جعلنا الليل ليسكنوا

هفته پانزدهم: موسیقی

یکی از گناہانی که به کبیره بودن آن تصریح شده سرگرمی با آلات موسیقی و نواختن انواع سازها مانند تار، کمانچه، پیانو، طنبور و نظایر آن یا گوش دادن به آن هاست و به اتفاق جمیع فقها، ساختن و خرید و فروش آلات لهو، حرام و معامله اش باطل است؛ مانند آلات قمار که نگهداریش نیز حرام و از بین بردنش واجب است. احادیث در حرمت استعمال آلات لهو، بسیار است که به چند مورد اشاره می شود:

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: صنعتی را که در آن هیچ وقت حلالی نباشد و جز شر و فساد، چیزی بر آن مترتب نیست مانند برپا (آلت موسیقی است که با آن می نوازند) و نی (مزماری) و شطرنج و هر آلت و وسیله لهوی و هر چه شبیه این ها باشد، پس یاد دادن و یاد گرفتن و عمل کردن به آن و اجرت گرفتن بر آن و جمیع تصرفات در آن حرام است.

نیز امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که خدای تعالی به او نعمتی دهد و در وقت آن نعمت، مزماری (آلت موسیقی) حاضر کند، کفران آن نعمت کرده است. و نیز فرمودند: استعمال عود یا گوش دادن به آن، نفاق را در دل می رویند همچنان که آب، سبزه را می رویند.

مسعود بن زیاد می گوید: در مجلس امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی به آن حضرت گفت: وقتی در منزل برای قضای حاجت می روم کنیزان همسایه ام مشغول خوانندگی و نوازندگی هستند و گاهی بیشتر توقف می کنم تا آواز آن ها را بیشتر بشنوم، حضرت فرمودند: استماع لهو را ترک کن. آن مرد گفت: ای مولای من! من که به مجلس آن ها نرفتم فقط صدای آوازی را می شنوم. حضرت فرمودند: آیا نخوانده ای آیه قرآن را به درستی که گوش و چشم و دل، در قیامت از آنچه شنیده و دیده و اعتقاد پیدا کرده، پرسیده می شود؟ (سوره مبارکه اسراء آیه ۳۸) آن مرد گفت: این آیه را در نظر نداشتیم و از عمل خود پشیمانم و از گذشته خود توبه می کنم. حضرت فرمودند: برخیز و غسل توبه کن و هر چه بخواهی نماز بخوان زیرا مداومت بر گناه بزرگی کردی و کار زشت را به اهلش واگذار، زیرا هر چیزی اهلی دارد.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: گوش دادن به آلات موسیقی از گناهان کبیره است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ملائکه به خانه ای که در آن شراب یا آلات قمار و یا ساز باشد داخل نمی شوند و دعای اهل آن خانه مستجاب نمی شود و برکت از آن ها برداشته می شود.

تأثیر موسیقی بر اعصاب:

در رساله تأثیر موسیقی بر اعصاب صفحه ۶، نویسنده اثرات مخرب فراوانی برای موسیقی ذکر کرده از جمله: امراض مختلف روانی، اغتشاشات فکری، عدم تعادل روحی، انواع دیوانگی ها، وفور سکتته های قلبی و مغزی که در تمام دنیا روز به روز در حال افزایش است و...

پروفسور ولف آدلر، استاد دانشگاه کلمبیا ثابت کرده بهترین و دل کش ترین نواهای موسیقی، شوم ترین آثار را بر روی سلسله اعصاب انسان دارند، مخصوصا اگر هوا گرم باشد این تأثیر مخرب بیشتر می شود و در مناطق گرم مانند عربستان و بعضی از مناطق ایران، حداکثر اثر سوء را دارد. نویسنده در صفحه ۱۰ می نویسد: ای کاش بشر می فهمید که استعمارگران به منظور تسلط بر اعصاب و نیروی فکری ملت ها چگونه از راه موسیقی و الکل در تخریب و ضعف اعصاب و ایجاد اغتشاشات فکری و بیماری های روانی فعالیت می کنند و ای کاش انسان عصر اتم به خود می آمد که برای ساعتی کیف و عیش و نوش، چگونه نیروهای فعاله خود را با دست خویش در اختیار دشمنان گذاشته است.

برای مطالعه بیشتر و علمی تر به کتاب گناهان کبیره صفحه ۲۷۸ مراجعه شود.

دیدگاه فقه:

از دیدگاه فقه، آهنگ هایی که در بالا اشاره به حرام بودن آن شده، آهنگ هایی است که متناسب با مجالس فسق و مجوز گناه باشد و قوای شهواتی را تحریک نماید، اما اگر آهنگی مفاسد فوق را نداشته باشد، اکثر فقها می گویند: شنیدن آن مجاز است. در این زمینه هر کدام از قرآن آموزان باید به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه نمایند و وظیفه خود را از رساله مرجع تقلید برداشت نمایند.

هفته شانزدهم: غنا

"ومن الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم ويتخذها هزوا ولو لئلا لهم عذاب مهين" (سوره مبارکه لقمان آیه ۶) ۹ برخی از مردم فریدار سفنان بیهوده و سرگرم کننده اند تا بی هیچ علمی (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره گیرند. آنان برایشان عذابی فوار کننده است.

یکی دیگر از گناهایی که به کبیره بودن آن نصریح شده غنا می باشد.

غنا چیست؟ غنا عبارت است از کشیدن صدا و گردانیدن آواز در حلق به کیفیت ویژه ای که طرب آور و مناسب مجالس لهو و لعب و محفل اهل معصیت و طرب باشد و نیز موافق با آلات موسیقی باشد. پس غنا به کیفیت صوت مربوط می شود و فرقی ندارد که کلام، باطل باشد یا حق، آیات قرآن خوانده شود و یا ذکر مصیبت... از امام صادق و امام رضا علیهما السلام نقل شده که یکی از مصادیق لهو الحدیث در آیه بالا غنا می باشد.

امام صادق علیه السلام در معنی "واجتنبوا قول الزور" سوره مبارکه حج آیه ۳۰ فرمودند: قول الزور، غنا است؛ یعنی نزدیک قول باطل که غنا است نشوید.

امام هادی علیه السلام در معنی آیه "والذین لا یشهدون الزور" سوره مبارکه فرقان آیه ۷۲ فرمودند: منظور غنا است که مؤمنین برای آن حاضر نمی شوند. همچنین در حدیث دیگری از امام هادی علیه السلام در پاسخ کسی که از قول زور پرسیده بود فرمودند: از آن جمله گفته می کسی است که به خواننده غنا بگوید: آفرین خوب خواندی!

امام صادق علیه السلام فرمودند: داخل خانه هایی که خداوند نظر رحمتش را (به واسطه نواختن موسیقی و خواندن غنا) از اهل آن برداشته، نشوید.

هم چنین در روایت دیگری از همان امام آمده است که خانه ای که در آن غنا خوانده می شود از مصیبت و بلای ناگهانی ایمن نیست و دعا در آن مستجاب نمی شود و فرشته داخل آن نمی گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خواننده ی غنا در حالی از قبر خارج می شود که گنگ و کر است و به این نشانه شناخته می شود.

امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که خود را از غنا ننگه دارد در بهشت درختی است که خدای تعالی به باها امر می کند که آن را حرکت دهند پس آن شخص آوازی از آن درخت می شنود که هرگز مثل آن را نشنیده و کسی که خود را از غنا ننگه ندارد آن را نمی شنود.

در روایات می خوانیم که زنان آوازه خوان و کسی که به آن ها مزد می دهد و کسی که آن پول را مصرف می کند مورد لعنت قرار گرفته اند؛ همان گونه که آموزش زنان خواننده نیز حرام است.

آثار مخرب غنا:

- ۱- ترویج فساد اخلاق و دور شدن از روح تقوا و روی آوردن به شهوات و گناهان و از بین رفتن حیا
- ۲- غفلت از خدا، غفلت از وظیفه، غفلت از محرومان، غفلت از امکانات و استعدادها، غفلت از دشمنان، غفلت از نفس و شیطان
- ۳- آثار مخرب آن بر اعصاب، که در بحث موسیقی آورده شد.

تفاوت خوب خواندن و غنا:

در حدیث نشانه های نزدیکی قیامت، معصوم علیه السلام می فرماید: مردمانی می آیند که قرآن را برای منظور دنیوی یاد می گیرند و قرآن را مانند خواندن و نواختن در آلات موسیقی و به طرز غنا می خوانند.

احادیث وارد شده در استحباب نیکو خواندن قرآن، منافاتی با حرمت غنا در قرآن ندارد زیرا به صرف تحسین (زیبا کردن) صوت و کشیدن و یا ترجیح یا گردانیدن صدا که آواز زیبا می کند غنا نیست.

غنا در مجالس عروسی زنانه:

عده ای از فقها، غنا در مجلس عروسی را به ۳ شرط از حرمت غنا خارج کرده اند:

- ۱- مرد حتی اگر محرم باشد در آن جلسه نباشد.

۲- در خواندنشان باطل نگویند (مثل دروغ، فحش و ...)

۳- از آلات و وسایل موسیقی استفاده نکنند.

بعضی از فقها (دایره) را در مجلس عروسی جایز دانسته اند و برخی گفته اند: به شرطی که حلقه نداشته باشد، ولی احتیاط در ترک هر دو است؛ یعنی استعمال لهو حتی در مجلس عروسی و آواز خواندن در آن مجلس حتی با وجود شرایط بالا باید ترک شود. در این زمینه قرآن آموزان به فتوای مرجع تقلید خود رجوع کنند.

هفته هفدهم: خوردن در قرآن

معمولا قرآن در کنار اجازه مصرف شرطی را بیان کرده و همراه با آن دستوری آمده است.

- ۱- از چیزهای ملال و پاکیزه استفاده کنید. کلو..... حلالا طیباً سوره مبارکه بقره آیه ۱۶۸
- ۲- بفورید و فساد گری نکنید. کلوواشربوا..... ولا تعثوا فی الأرض المفسدین سوره مبارکه بقره آیه ۶۰
- ۳- از نعمت ها استفاده کنید و اسراف نکنید. کلوواشربوا ولا تسرفوا سوره مبارکه اعراف آیه ۳۱
- ۴- هم خود بفورید و به دیگران هم بدهید. فکلوامنھاوأطعموا سوره مبارکه حج آیه ۲۸
- ۵- بفورید و شکر نعمت به جا آورید. کلوواشکروا سوره مبارکه بقره آیه ۱۷۲
- ۶- بفورید و طغیان نکنید. کلو..... ولا تطغوا سوره مبارکه طه آیه ۸۱
- ۷- بفورید و کار شایسته انجام دهید. کلو..... واعلموا سوره مبارکه مؤمنون آیه ۵۱
- ۸- بفورید و دنباله رو شیطان مباشید. کلو..... ولا تتبعوا خطوات الشیطان سوره مبارکه انعام آیه ۱۴۲

در حدیث آمده است که خداوند رزق مردم را از حلال معین کرده، هر کس که به حرام روی آورد از سهم حلال او کم خواهد

شد. تفسیر الطیب البیان

هفته هجدهم: حجاب

"يا ايها النبي قل لأزواجك وبناتك ونساء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك أدنى أن يعرفن فلا يؤذين وكان الله غفورا رحيماً" سوره مبارکه احزاب آیه ۵۹ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: روسری های بلند بر خود بپوشند. این عمل

مناسب تر است تا به عفت و پاکدامنی شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند و فداوند آمرزنده مهربان است.

بررسی تاریخ نشان می دهد که مردم ایران، حجاب را به عنوان ارزشی والا پاس داشته و زنان ایرانی با پوشش کامل ظاهر می شده اند و به آن افتخار می نمودند. ادبیات ایران باستان نیز حجاب زنان ایران را منعکس نموده، یکی از نویسندگان در این مورد می گوید: چادر رسم ایرانیان بود و از آنجا ریشه داشت. البته حجاب یک حکم الهی می باشد که متأثر از هیچ فرهنگی نبوده است و قانون حجاب در اسلام به خاطر فواید و مصالح آن بوده و فلسفه خاص خود را دارد.

آنچه از گفتار دانشمندان لغت عرب و تعریف های واژه جلباب در یک عبارت جامع می توان بیان کرد این است که جلباب نوعی پوشش گسترده و سرتاسری با وسعت کافی است که زنان مسلمان با عفت از روی همه لباس های خود می پوشند؛ به گونه ای که تمامی لباس ها، حجم اندام، پستی و بلندی بدن و زیور آلات آن ها مخفی بماند.

اسلام با وضع قانون حجاب، مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و حفظ دوام شخصیتش را برای همیشه بیمه کرد.

دکتر گوستاولوبون مورخ معروف فرانسوی می گوید: این مطلب روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زن بسیار کوشیده و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برد و روی هم رفته زنان مشرق زمین از نظر احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپایی هستند.

ویلیام جیمز روان شناس معروف می گوید: زنان دریافتند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند.

عصمتیان را به مقامی جلال / جلوه حرام است مگر با حلال

حجاب؛ احیاگر ارزش های متعالی:

اگر زنان، همه دارای حجاب باشند، همه مثل هم می شوند، امتیازات ظاهری و زیبایی های جسمی، زیور و مقام محو می گردد؛ آن گاه ذهن ها متوجه ارزش های واقعی نظیر علم، ادب، هنر و اخلاق می شود و در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه راه ترقی و پیشرفت را به سرعت طی خواهد کرد.

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: بهترین زنان شما، زنان با عفت غیر عقیمی هستند که تنها برای شوهرانشان خود را می آریند و در مقابل بیگانه کاملاً پوشیده اند (آراستگی لازم را ندارند)

هان ز انخار پوشان رخ زیا ز نهاد / نرسد میوه در آن باغ که دیوارش نیست

حجاب و جذابیت:

اصولاً ارتباط کمتر و دوری از شیء مطلوب، جذابیت آن را بیشتر می کند؛ پس حتی اگر زنان، خواهان تحکیم موقعیت و افزایش محبوبیت خویش هستند باید آن را در پناه حجاب به دست آورند. همچنین با توجه به آرامش روانی زنان باحجاب، طراوت و زیبایی آنان پایدارتر خواهد بود.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: حجاب زن برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر است.

آیا حجاب مخالف آزادی است؟

بدیهی است که ادامه حیات بشر در گرو رعایت قوانین فردی نظیر قوانین بهداشتی و رعایت قوانین اجتماعی نظیر قوانین راهنمایی و رانندگی می باشد. این قوانین برای انسان محدودیت هایی ایجاد می کند. بنابراین حجاب نیز اگر چه محدودیت هایی را نظیر دیگر قوانین به دنبال دارد ولی آزادی فکری و فرهنگی و روحی و روانی جامعه بشری را تضمین می کند؛ زیرا با رعایت این قانون، فکر و روان از بردگی مد و هوی و هوس آزاد می گردد.

خانم لیدی دانشمند انگلیسی می گوید: اگر بگوییم زن های اسلامی از زنان اروپا بیشتر آزادند گزاف نگفته ام زیرا زن مسلمان فهمیده یگانه زنی است که به معنی حقیقی آزادی پی برده و می داند آزادی یعنی چه ولی امروزه اروپاییان با افراط در این آزادی دچار سیه روزی شده اند.

حجاب اثرات بسیار زیادی دیگری نیز دارد از جمله:

سلامت جسمانی، آرامش روان، استجکام پیوند خانوادگی، عوامل استواری جامعه

که جهت بررسی بیشتر پیشنهاد می شود به کتاب هایی که در این زمینه نگاشته شده است (از جمله کتاب بسیار مفید مسئله حجاب شهید مطهری) مراجعه شود.

هفته نوزدهم: آفت های بی حجابی - آراستگی و زینت

"یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما أخرج أبویکم من الجنة یزعم عنهما لباسهما لیریهما سوء اتهما إنه یرایکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم إنا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون" سوره مبارکه اعراف آیه ۲۷ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از تنشان بیرون سافت تا زشتی هایشان را به آن ها نشان دهد، شیطان و وابستگان او شما را می بینند از جایی که شما آن ها را نمی بینید؛ شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند. با توجه به آن که لباس و حجاب وسیله ای است برای زینت، عفاف و تقوا، کشف حجاب از دام های شیطان و اولیای اوست.

تاریخچه بی حجابی:

تاریخ بی حجابی به سبک جدید آن، از رنسانس علمی صنعتی اروپا آغاز می شود که طبق شواهد تاریخی، کارخانه داران بزرگ برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت زنان، زمینه به اصطلاح آزادی!! زنان و امکان حضور آنان را در محیط کار فراهم آوردند و زنان بی خبر از همه جا در تلاش برای به دست آوردن حقوق اولیه خویش! گول این تبلیغات دروغین را خورده و آنان را در این جهت یاری دادند. دامنه این اقدامات کم کم کشورهای اسلامی را نیز فرا گرفت و به صورت سلاحی کارآمد برای تضعیف معنویت و اخلاق و سقوط اسلامی به کار گرفته شد و استعمارگران در جهت ترویج آن از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. کشف حجاب در کشورهای اسلامی ابتدا از افغانستان، بعد ترکیه و سپس ایران شروع شد. می توان گفت توطئه کشف حجاب توط استعمار انگلیس طراحی شد، فرقه ضاله بهائیت در ایران مأمور زمینه سازی آن گردید و مزدوران انگلیس (رضاخان و محمدرضا) عامل اجرای این توطئه شوم بودند.

اهداف استعمار از ترویج بی حجابی:

در پروتکل اندیشمندان یهود آمده است: ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سیطره و سلطه ما را بگشاید. به زودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکارا و برملا انجام می شود که در نظر جوان، دیگر هیچ چیز مقدسی مفهوم نداشته باشد، پیوسته هدف و همت او اشباع غرایز شهواتش شود، در آن صورت است که اخلاق فرو می ریزد. یکی از نمونه هایی که استعمار در آن زمینه فعالیت کرد و به نتیجه رسید و بر آن کشور مسلط شد، شکست مسلمانان و زوال اسلام در آندلس (اسپانیا) می باشد. اسپانیایی که تحت حاکمیت مسلمانان بود و مسلمانان آن را در شرایطی که اروپا در حالت توحش و قرون وسطایی بود، به اوج تمدن و دانش رساندند. مسلمانان حدود ۸۰۰ سال در اسپانیا قدرت را در دست داشتند تا آن که دشمنان با انتشار فساد و رواج مشروبات الکلی و بی بند و باری و بالاخره در اثر اختلاف زمامداران، حکومت مسلمانان را ساقط کردند. برای این کار حجاب را از بین زنان بردند و ابتدا از چادر شروع کردند تا کم کم حیا را از زنان بگیرند و سپس حجاب را کاملاً از بین بردند و با این کار، مردان را به شهوت تشویق کردند و بر کشورشان مسلط شدند و اسپانیا این گونه جزء مستعمرات استعمار قرار گرفت.

آفت های بی حجابی و بدحجابی

- ۱- رونق گرفتن چشم چرانی و هوس بازی
- ۲- توسعه فساد و فحشا
- ۳- سوء قصد و تجاوز به عنف
- ۴- بارداری های نامشروع و سقط جنین
- ۵- پیدایش امراض روانی و جسمی
- ۶- خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی
- ۷- بی مهری مردان چشم چران نسبت به همسران خود
- ۸- بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی
- ۹- رقابت در تجملات
- ۱۰- ایجاد دلهره برای خانواده های پاکدامن
- ۱۱- از بین رفتن غیرت مردان

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: نابودی زنان امت من در دو چیز است:

۱- استفاده از زیورآلات طلا (و نمایش آن به نامحرمان)

۲- پوشیدن لباس نازک و بدن نما

زینت و آرایش:

زیباسازی زن و شوهر برای یکدیگر مخصوصاً خودآرایی زن برای شوهر، مورد سفارش و تأکید اسلام و موجب محبوبیت و تسخیر قلب مرد و زن می گردد اما نباید برای نامحرم زینت کرد.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر زینتی که زن برای شوهرش بنماید مانعی ندارد.

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: هر زنی که خود را خوش بو کند و از خانه خارج شود، مورد لعنت قرار خواهد گرفت تا هنگامی که به منزل برگردد.

حدود پوشش:

در زمینه حجاب و پوشش، چند نکته لازم است:

۱- زن باید بدن و زیورآلات و آرایش خود و هر آنچه را که در نظر عرف، زینت محسوب می شود، در برابر مرد نامحرم

پوشاند و تنها دست و صورت (بدون آرایش) استثنا شده است.

۲- هرچند دین اسلام نسبت به نوع و رنگ و حتی دوخت لباس، تأکید چندانی ندارد و تنها به اصل پوشش تکیه کرده

است ولی روشن است که لباس نباید تنگ، محرک، نازک، بدن نما و باعث جلب توجه گردد. از این رو چادر بهترین

نوع پوشش به حساب می آید. از مواردی که مشکی بودن آن مکروه نیست چادر است که در روایات به آن اشاره شده

است.

هفته بیستم: تواضع

ولا تصرخدک للناس ولا تمش فی الأرض مرحا إن الله لایحب کل محتال فخور سوره مبارکه لقمان آیه ۱۸ و (وی فود را از مردم) (به تکبر)

برمگردان و در زمین مغرورانه راه نرو، زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

تواضع، آن شکسته نفسی است که مانع از بهتر دانستن خود از دیگری می شود.

در آیه بالا لقمان حکیم به فرزندش می گوید: در زمین متکبرانه راه نرو و در سوره فرقان، اولین نشانه بندگان خوب خدا،

حرکت متواضعانه آن هاست و عباد الرحمن الذین یشون علی الأرض هونا سوره مبارکه فرقان آیه ۶۳

در قرآن کریم، تواضع از اوصاف قومی شمرده شده که دوستدار خداوند و او نیز آنان را دوست می دارد؛ در سوره مبارکه مائده آیه ۴

می فرماید: ... أذلة علی المؤمنین أعة علی الکافرین، (آنان) نسبت به مؤمنان، فروتن و نسبت به کافران، سرافراز و مقتدرند

هم چنین خداوند، تواضع را در ردیف اولین دستورات خود به پیامبر اکرم ﷺ قرار داده، می فرماید: وأندرعشیرتک الأقربین

واخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین نفست فویشان نزدیک را (از خدا) بدرسان، آن گاه پر و بال (هممت بر پیروان

باایمانت بگستران سوره مبارکه شعراء آیات ۲۱۴ و ۲۱۵

دو آیه فوق، تواضع را وظیفه مهم برای دوستداران واقعی خداوند می داند.

- یکی از اسرار نماز که در سجده آن، بلندترین نقطه بدن را (حداقل در هر شبانه روز ۳۴ مرتبه در هفته رکعت نماز

واجب) روی خاک می گذاریم، دوری از تکبر، غرور و تواضع در برابر خداوند است.

- اگرچه تواضع در برابر تمام انسان ها لازم است، اما در برابر والدین، استاد و مؤمنان لازم تر است.

- بر خلاف تقاضای متکبران که دور کردن فقرا را از انبیاء می خواستند، آنان می فرمودند: ما هرگز آنان را طرد نمی

کنیم. وما أنا بطارد الذین ءامنوا سوره مبارکه هود آیه ۲۹

- انسان ضعیف و ناتوانی که از خاک و نطفه آفریده شده و در آینده نیز مرداری بیش نخواهد بود، چرا تکبر می کند؟

قرآن می فرماید: متکبرانه راه نروید که زمین سوراخ نمی شود، گردن کشی نکنید که از کوه ها بلندتر نمی شوید و

لا تمش فی الارض مرحا انک لن تحرق الارض ولن تبلغ الجبال طولا سوره مبارکه اسراء آیه ۳۸

نمونه هایی از تواضع اولیای الهی:

۱- اول شخص آفرینش که پیامبر اکرم ﷺ است، آن گونه می نشست که هیچ امتیازی بر دیگران نداشت و افرادی که وارد

مجلس می شدند و حضرت را نمی شناختند، می پرسیدند: کدام یک از شما پیامبر است؟

۲- برخی شیعیان خواستند به احترام امام صادق (علیه السلام) حمام را خلوت و به اصطلاح قرق کنند، حضرت اجازه ندادند و

فرمودند: نیازی به این کار نیست، زندگی مؤمن ساده تر از این تشریفات است.

۳- هرچه اصرار کردند که سفره امام رضا (علیه السلام) از غلامان جدا باشد، آن حضرت نپذیرفتند.

۴- یکی از شاگردان امام خمینی (ره) می گوید: یک روز در حالی که سرم پائین بود عبور می کردم. ناگهان احساس کردم

کسی به من سلام کرد. وقتی سرم را بالا آوردم چشمم به سیمای مبارک امام افتاد. در یک لحظه سنگینی و فشار

عجیبی در خودم احساس کردم، آخر او، امام، مرجع تقلید و ... من ناچیز، بچه طلبه ۱۷ ساله

از نشانه های تواضع و فروتنی، پذیرفتن پیشنهاد و انتقاد دیگران و نشستن در جایی پائین تر از جایی است که در شأن اوست.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: کسی که برای خداوند، تواضع و فروتنی کند، خداوند منزلت او را بلند می گرداند.

ترغیب به تواضع ممدوح و برهیز از تواضع مذموم:

حضرت امام (ره) سعی داشت این خصلت نیک را بین شاگردان خود و کسانی که بر مسند قدرت نشسته اند اشاعه دهد.

یکی از مسئولان مملکتی همراه پدرش به دیدار حضرت امام علیه السلام رفتند. امام وقتی مشاهده کرد که او جلوتر از پدرش وارد شده ناراحت شدند و فرمودند: این آقا پدر شما هستند؟ پس چرا جلوی او راه افتادی و وارد شدی؟
تواضع در برابر اغنیاء یکی از موارد تواضع مذموم است که در روایات به شدت از آن نهی شده است. امام نیز خود از آن بیزار بوده و دیگران را نیز از آن باز می داشت.
آیه الله جوادی آملی می گوید: حضرت امام علیه السلام در درس ها عموماً و در موعظه های پایان درس ها خصوصاً این روش (انس و ارتباط با دیگران جهت تحصیل درآمد) را می کوبید. چه این که خود هرگز به این فکر نبود که با ثروتمندان و زراندوزان دنیا نزدیک باشد و آن ها را از نزدیک بپذیرد و از این راه، درآمدی تهیه کند.